

صدای پرنده‌ای در سینه



LIDA Portugal ✎
Vilius Aistis Vilimas 📧
Sam Saf 📧
5 📅
فارسی 🗣️ Fa



LIDA Stories

lidastories.net

صدای پرنده‌ای در سینه

LIDA Portugal ✎
Vilius Aistis Vilimas 📧
Sam Saf 📧



This work is licensed under a Creative Commons
[Attribution 4.0 International License](https://creativecommons.org/licenses/by/4.0).
<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0>



یولایه، همسرش و دختر کوچیکشون در یک روسی کوچک و آرام در اوکراین زندگی می کردند. یولایه دوست داشت هر روز صبح صدای پرندگان از خواب بیدار بشه. اون هیچوقت فکر نمی کرد که دور از خانه زندگی کنه. صبح صدای پرنده ها از خواب بیدار نشه.

۰. انچه است که به انچه
کراين بيشه کراين است و به جت جت کراين بيشه کراين
کراين بيشه کراين است و به جت جت کراين بيشه کراين
کراين بيشه کراين است و به جت جت کراين بيشه کراين
کراين بيشه کراين است و به جت جت کراين بيشه کراين





یولی به خوبی به محل جدیدش سازگار شد و به عنوان
نظافتچی شروع به کار کرد. مشتریانش واقعه قدر دان کار
سخت و رفتار مودبانه اش بودن. از طرف دیگر، شوهرش
بیشتر و بیشتر احساس می کرد که کار گذاشته شده.
گرفته به خطر مشکل مشروب خوردنش بهش اعتد
نداشتند و بهش کار نمی دادند.



وقتی بالاخره یولیا مجبور شد دست شکسته به اورژانس
ببهرسختن بره، بهش گفتن که خشونت خانگی در پرتغال یه
مسئله و مشکل بزرگه. اونجا این رو هم گفتن که این یک
جرمه و باید به پلیس گزارش بده.



یولیا خسته شده بود و نمی خواست دختر کوچیکش تو
خونه ای بزرگ بشه که هر روز شاهد خشونت باشه. یولیا
متوجه شد که نلانه هی سوءاستفاده و آزار و اذیت در تمام
مدت وجود داشته، حتی اگر به شکل متوهوتی بوده.